

بررسی جایگاه نهادهای بین المللی در جهان شمولی حقوق بشر

مهدی زکوی^۱

علی پرتوی^۲

چکیده

نهادهای بین المللی با قدمت دیرینه در تاریخ جهان توانسته اند نقش مؤثری در زمینه حمایت و ارتقای حقوق بشر ایفا نمایند. حمایت از حقوق بشر به معنای حمایت از دستاوردهای بشری، تثبیت و تضمین آنان است و ارتقای حقوق بشر و شهروندی نیز قرینه دیگریست که درصدد است بارشد، توسعه و گسترش این مفهوم سطح بالاتری از حقوق بشر را ایجاد نماید. این پژوهش با طرح این سوال که نهادهای بین المللی در جهان شمولی حقوق بشر چه جایگاهی دارد این فرضیه را مطرح نموده است که نهادهای بین المللی توانسته اند با بهره گیری از روش ها و سازوکارهای عملی متعدد و نیز استفاده از ظرفیت های قانونی موجود در قوانین داخلی و اسناد و مقررات بین المللی در زمینه حمایت و ارتقای حقوق بشر گام های مؤثری بردارند. اهمیت این موضوع با نگاهی به کارنامه نهادها معنای دیگری پیدا می نماید و الزم است با بازخوانی عملکرد این نهادها و آسیب شناسی جامع حرکت نهادها در مسیر حمایت و ارتقای حقوق بشر، نظام های حکومتی بتوانند ظرفیت پنهان نهادها را فعال نموده و این نهادها در جایگاه حقیقی حمایت و ارتقای حقوق بشر قرار گیرند.

کلیدواژه ها: جهان شمولی، جایگاه، حقوق بشر و نهادهای بین المللی

m_zakavi@pnu.ac.ir

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ali.partovi@pnu.ac.ir

۲. مربی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه

نهادها و سازمان های بین المللی می توانند دو نقش مهم حمایت و ارتقا را در زمینه حقوق بشر بیافرینند. حمایت و ارتقا دو اقدام متفاوت هستند که اگر چه در نتیجه یکدیگر را پوشش می دهند؛ اما می توان با ایجاد دقت نظری خاص نتایج هر یک را به صورت متفاوت از هم ترسیم نمود. حمایت از جهت لغوی به معنای نگاه داشتن، پشتیبانی کردن، یاری دادن و نگهداری است. در این معنا بیشتر آنچه مدنظر قرار میگیرد حمایت از دستاورد یا وضع موجود است. یکی از جنجالی ترین مباحث در حوزه آکادمیک حقوق بشر، بحث جهانشمولی حقوق بشر است. این که آیا حقوق بشر ریشه در فرهنگ و تمدن غرب دارد و عاری از ارزش های ملل دیگر است یا این که تمام ملل به نوعی از بعد تاریخی و فرهنگی با اصول مطروحه، حقوق بشری تفاهم و اشتراک دارند، مباحث و گفتمانهای بسیاری را ایجاد کرده است. به میزان استقبال کشورها نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر، تصویب میثاق ها و کنوانسیون های حقوق بشری به علاوه موضع گیری کنفرانس های بین المللی و اجلاسیه های منطقه ای درباره جهانشمولی حقوق بشر، و همچنین نوع برخورد بعضی از کشورها نسبت به آن، توجه شده است.

پیشینه تاریخی حمایت از حقوق بشر

با دقت در صفحات تاریخ بشریت و در کشورها و ملل مختلف می توان نمونه های قابل توجهی را پیدا نمود. تبیین مفهوم حمایت از حقوق بشر و اینکه حمایت چه اقدامات و یا تلاش هایی را مورد توجه قرار می دهد تا اندازه ای مشکل خواهد بود؛ زیرا کمتر این واژه به صورت روشمند چه از سوی دانشگاهیان و چه از طریق عملکرد و کارکرد سازمان های بین المللی مورد بررسی قرار گرفته است (امیدزمانی؛ ۳۸: ۱۳۹۲) در منشور حمورابی یا کورش بزرگ مفهوم حقوق بشر مورد حمایت حاکمیت قرار گرفته و در مواردی چون اعطای آزادی عقیده به مردم و نیاززدن مردم بابل در فرامین کورش کبیر شاهد ارتقای مفهوم حقوق بشر و شهروندی نسبت به زمان قبل از خود می باشیم. قبل از ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان نیز پیمان حلف الفضول یا پیمان جوانمردان برای یاری ستمدیدگان- بیست سال پیش از ظهور اسلام- میان برخی از اعضای قبایل با هدف حمایت از حقوق ستمدیدگان و مظلومان منعقد می گردد. این پیمان نوعی پیمان و حرکت حمایتی از اقلیت ها بود که امروزه در قالب موضوعات حقوق بشری و شهروندی مورد بحث قرار می گیرد.

برخی اعتقاد دارند حمایت از حقوق بشر به تئوری‌های اولیه حقوقی و فلسفی مربوط به حقوق طبیعی که فراتر از حقوق دولت‌هاست برمی‌گردد؛ بر اساس این تئوری‌ها، افراد بشر به عنوان انسان از حقوق غیرقابل انکار برخوردار می‌باشند. از این رو به هنگامی که این باور در جامعه بوجود بیاید که نمی‌توان حقوقی از انسان را انکار نمود، این خود نوعی حمایت از حقوق بشر به حساب می‌آید.

آمی گاتمن عضو کمیسیون علوم انسانی و اجتماعی آکادمی آمریکایی علوم و هنر - معتقد است زمانی که حقوق بشر مورد احترام قرار گرفته و به اجرا گذاشته می‌شود، این معنا را متبادر می‌سازد که این حقوق ابزارهای مؤثری هستند که می‌توان از آنها برای حمایت از افراد در برابر ستم، خشونت، ظلم و بی‌عدالتی بهره برداری نمود. وی نتیجه‌گیری می‌نماید که اجرای حقوق بشر در صحنه بین‌المللی به معنای آن نیست که افراد مورد حمایت از یک زندگی شگفت‌انگیز یا حتی از یک زندگی خوب برخوردار باشند. بنابراین از این دیدگاه مفهوم حمایت از حقوق بشر همان احترام به این حقوق در جامعه می‌باشد.

سازمان ملل نیز از ابتدای تشکیل و شروع به فعالیت یکی از کارهای عمده خویش را معطوف به حمایت از حقوق بشر و ایجاد مکانیسم‌ها و راهکارهای مناسب در این جهت نمود. تصویب قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌ها و امضای آنها توسط دولت‌ها به منظور ملزم نمودن آنان به اجرای موازین حقوق بشری و تلاش در جهت ایجاد عرف‌های مسلم حقوق بشری بین‌المللی و اعلام آنکه نقض این عرف‌ها نقض قوانین بین‌المللی است؛ از جمله اقدامات سازمان ملل در این خصوص بوده است (مهرپور، ۱۳۷۷: ۱۲). عملکرد و کارکرد برخی سازمان‌ها و یا نهادهای نظارتی و حمایتی بین‌المللی در خصوص حقوق بشر نیز ماهیت حمایتی حقوق بشر را مورد تأکید قرار می‌دهد. این سازمان‌ها که دربرگیرنده موضوعات حقوق بشری می‌باشند، ضمن توسعه کارکردهای حمایتی خود، مفهوم حمایت از حقوق بشر را توسعه داده و جایگاه آن را در حقوق بین‌الملل تبیین نموده‌اند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

بی‌شک یکی از منابع و سرچشمه‌های حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر است. ارزیابی جهانشمولی اعلامیه، نقش بسزایی در این بحث دارد. مسلماً، همه کشورها پذیرفته‌اند که

سرچشمه نظام حقوق بشر در صحنه بین الملل و روابط بین کشورها، اعلامیه جهانی حقوق بشر است. بنابراین، جهانشمولی اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر، نقطه آغاز خوبی برای بحث است (Donnelly, 1992: 259) این که کشورها تا چه اندازه به این اعلامیه توجه داشته، چه تعداد به آن رای مثبت داده و از کدام مناطق دنیا بوده اند، امری قابل تامل است که به تصدیق یا عدم تصدیق جهانشمولی حقوق بشر می انجامد.

نگارش و تصحیح اعلامیه، بین نشست اول و سوم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، از ۲۷ ژانویه ۱۹۴۷م تا ۱۸ ژوئن ۱۹۴۸م صورت گرفت. رئیس کمیسیون و کمیته نگارش خانم النور روزولت، همسر رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا، بود. در کمیسیون، چهارده کشور: استرالیا، روسیه، شیلی، مصر، فرانسه، هندوستان، ایران، لبنان، فیلیپین، شوروی، انگلستان، آمریکا، اروگوئه و یوگسلاوی نقش داشتند، که تقریباً نماینده همه نقاط دنیا بودند. غیر از چهار کشور: استرالیا، فرانسه، انگلستان و آمریکا، بقیه از کشورهای در حال توسعه و اروپای شرقی به شمار می رفتند. (Boyle, 1998: 8)

در نهایت، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸م طی قطعنامه 217A(III)، از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد. از ۵۶ دولت عضو سازمان ملل متحد، اعلامیه حقوق بشر با ۴۸ رای مثبت، ۸ رای ممتنع و بدون رای منفی، به تصویب دولتهای عضو رسید. دولتهای: عربستان سعودی، روسیه سفید، لهستان، چکسلواکی، آفریقای جنوبی، اتحاد جماهیر شوروی، اوکراین و یوگسلاوی، به این اعلامیه رای ممتنع دادند. این هشت کشور اطمینان دادند که اصولاً مخالف اعلامیه نیستند. اعلامیه جهانی حقوق بشر مجموعه ای از حقوق را برشمرده، که باحقوق: مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط دارد (Samson, 1991: 95) مجمع عمومی این اعلامیه را به عنوان معیار موفقیتی مشترک برای همه اقوام و ملتها معرفی کرد، و از همه کشورهای عضو سازمان و کلیه ملل خواست تا شناخت و رعایت مؤثر حقوق و آزادیهای مندرج در آن را ترویج و تامین نمایند.

کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد، در اهمیت جهانشمولی این حقوق می گوید- (An-nan, 1997: 1)

«این حقوق مدنی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، اساساً برای همسان سازی

روابط میان افراد، گروهها و ملتها، جهانی، مشترک، مستقل و همبسته اند». به نظر برخی از نویسندگان اهمیت این اعلامیه برای کشورها، تا به آنجا رسیده است که به عنوان نمونه ای برای قانون اساسی کشورهایشان درآمده است (Vilian Duran, 1998: 5)

فراتر از اهمیتی که کشورها در بعد داخلی برای حقوق بشر قائلند و آن را در قانون اساسی خود لحاظ می کنند، در بعد منطقه ای و بین المللی نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر اثر قابل توجهی از خود برجای گذاشته است. تاثیر اعلامیه بر همه سازمانهای بین المللی، از دلایل جهانشمولی آن است. تاثیر اعلامیه بر ترتیبات منطقه ای، در تایید جهانشمولی آن قابل توجه است. سازمان وحدت آفریقا در ماده «۲» میثاق آدیس آبابا (سال ۱۹۶۳م)، اعلامیه حقوق بشر را یکی از وسایل اصلی برای توسعه همکاریهای بین المللی بر شمرده است. شورای اروپا در کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی (رم ۱۹۵۰)، اعضا را به رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر فراخوانده است. موافقتنامه آمریکایی حقوق بشر سان خوزه دو کاستاریکا (۱۹۶۹م) نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر را به عنوان اصول مورد توجه خویش اعلام کرد. سازمان امنیت و همکاری اروپا در اعلامیه هلسینکی (۱۹۷۵م) در بخش هفتم، به اهمیت حقوق بشر و آزادیهای اساسی توجه کرده است. همچنین، اعلامیه حقوق بشر بر میثاق عربی حقوق بشر (۱۹۸۶م) و اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره (۱۹۹۰م) نیز اثر گذاشته است که نمود آن اصل تهیه چنین اعلامیه هایی بوده است (المتوکل، ۱۹۹۷م: ۸). در سند نهایی اجلاس جنبش عدم تعهد در سپتامبر ۱۹۹۲م جاکارتا نیز جهانی بودن حقوق بشر تایید شده است. (Morphet, 1993: 368)

می توان اظهار داشت که امروزه توجه و اقبال بین المللی نسبت به حقوق بشر، افزایش یافته است. حقوق بشر از سال ۱۹۴۸م رو به جهانی شدن داشت و با اجرا شدن میثاقها و دیگر کنوانسیون های منطقه ای و بین المللی، این امر شتاب گرفت. به علاوه، همان طور که پطروس غالی، دبیرکل سابق سازمان ملل متحد، در کنفرانس وین اظهار داشت: زبان بین المللی حقوق بشر به طور نسبی یک شکل شده است؛ ولو اینکه برخی کشورها با آن سازگار نیستند (Sudre, 1995: 171)

هر چندکه تعدادی از کشورها در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸م به اعلامیه رای ممتنع دادند، اما همه آنها بجز آفریقای جنوبی به ماده «۷» قطعنامه اعطای استقلال به سرزمینها و مردم مستعمره، مصوب ۱۹۶۰م مجمع عمومی، رای مثبت دادند. این ماده، اشعار می دارد: همه دولتها با حسن نیت دقیقاً مقررات منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حاضر را... رعایت

می نمایند. در سال ۱۹۶۸م نیز در کنفرانس جهانی حقوق بشر، نمایندگان ۸۴ دولت در تهران حضور یافتند و اعلامیه تهران را پذیرفتند که تایید می نمود اعلامیه جهانی حقوق بشر، همه اعضا را به آن متعهد کرده است (ممتاز، ۱۳۷۷: ۹۱)

کنفرانس حقوق بشر تهران، اصول اساسی اعلامیه جهانی حقوق بشر را صحنه گذاشت و دستور کاری را که ما امروز طالب دستیابی به آن هستیم، تنظیم کرد. این اعلامیه خواستار محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان شد، و تجزیه ناپذیری تمام حقوق بشر و آزادیهای اساسی را تایید کرد (عنان، ۱۳۷۶، ۵)

دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر نیز در جریان تحولات بین المللی و پس از جنگ سرد در ژوئن ۱۹۹۳م در وین با حضور ۱۷۱ کشور برگزار گردید، و به تصویب «اعلامیه و برنامه عمل وین ۱۹۹۳م» منجر شد. در اعلامیه مزبور بر اهمیت ویژه نسبت به حقوق بشر و ارتقای آن، و جهانشمولی حقوق بشر تاکید شده است (مهرپور، ۱۳۷۴: ۳۳۶).

اگر برای اثبات جهانشمولی حقوق بشر نموداری از اقبال کشورها به حقوق بشر از سال ۱۹۴۸م تا ۱۹۹۳م رسم کنیم - چنانکه در نمودار «الف» آمده است -، خواهیم دید که حقوق بشر با حسن استقبال کشورها روبرو گردیده و جهانشمولی آن در نظام نوین بین المللی، تقویت شده است.

همچنین تحلیل مقایسه ای میان تعداد کشورهایی که تا سال ۱۹۸۹م به میثاقها و کنوانسیون های حقوق بشری پیوسته اند با تعداد کشورهایی که تا سال ۱۹۹۹م به میثاقها و کنوانسیون های حقوق بشری گرویده اند - و در نمودار «ب» آمده است -، بیانگر میزان تقویت جهانشمولی حقوق بشر در نظام نوین بین المللی پس از پایان جنگ سرد است.

دکتر شولب (Schwelb) در اهمیت تعداد کشورهای تصویب کننده اعلامیه های حقوق بشری می نویسد (مقتدر، بی تا، ۲۰۷)

«هنگامی که نمایندگان ۹۷ دولت تصدیق کنند که مجموعه مقرراتی دارای اعتبار قانونی است و یا بالعکس مقررات دیگری خلاف قانون است، اگر هیچ دولتی علیه این تصمیم رای ندهد، اگر برخی از دولتها و مهمترین آنهايي که رای ممتنع داده اند، رضایت ضمنی خود را به همکاری با آن نشان دهند - همان طور که در مجمع عمومی در سال ۱۹۶۲م اتفاق افتاد - و ۱۰۱ حکومت تمام اینها را تایید و تکرار کنند، ما با پدیده ای روبرو هستیم که دیگر در داخل

تقسیم عهدنامه های الزام آور در برابر اعلامیه های غیرالزام آور قرار نمی گیرد، و باید آن را معتبر و قانونی نزد جامعه بین المللی دانست... بدین ترتیب چون کشورها در آرای متوالی به اتفاق آرا، اجرای صادقانه و دقیق اعلامیه های حقوق بشر را خواستار شده اند، مقررات اعلامیه مزبور در واقع از نو تصویب و اصلاح شده است»

تا پایان جنگ سرد و در ابتدای دهه ۹۰م، برخی کشورها همانند: ایران، اندونزی، چین و مالزی، بشدت نسبت به جهانشمولی حقوق بشر اعتراض داشتند. سفیر سابق ایران در سازمان ملل، آقای رجائی خراسانی، موضع ایران در کمیته سوم مجمع عمومی را به صورت ذیل شرح داد (Meron, 1989: 8)

«سازمان ملل یک مجمع غیر دینی (سکولار)، و اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز یک ابزار سکولار است... ویژگی کنوانسیون های حقوق مدنی و سیاسی این است که ابهام و درک نادرست از مفهوم دین دارند. با این اعتقاد که مجامع سکولار شایستگی پرداختن به امور دینی را ندارند، آنان مسلمانان را متعهد به احترام به درخواستهای چنین مجامعی می کنند» همچنین، کشور چین میزبان کنفرانس جهانی زنان در پکن سال ۱۹۹۵م شد. و نیز، رئیس هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳م اظهار داشت: ایران خواستار بحث جدی، دقیق و اصولی روی مبانی و اصول حقوق بشر است، زیرا مشکل اصلی کشورهای غربی، برداشتهای غلط آنان از انسان و حقوق انسان است. به همین دلیل، غربیها تاکنون نتوانسته اند الگویی جهانشمول و قابل قبول همگان ارائه دهند. وی در ادامه اظهار داشت: غرب می خواهد نقش قاضی، دادستان و هیئت منصفه را در زمینه حقوق بشر ایفا کند؛ و در عین حال، تلاش دارد نقش قانونگذار را نیز بر عهده داشته باشد، و تعریف قانون را هم در اختیار گیرد.

وزیر امور خارجه اندونزی نیز در این کنفرانس اظهار داشت: در جهانی که سلطه قوی بر ضعیف و مداخله امور کشورها هنوز یک واقعیت دردناک است، هیچ کشور یا گروهی نباید خود را در نقش قاضی، هیئت منصفه یا مامور اجرا در برابر کشورهای دیگر قرار دهد... اکثر کشورهای جهان سوم از مفهوم جهانی حقوق بشر حمایت می کنند، ولی در مقابل معیارهای تحمیل شده، مقاومت خواهند کرد (ممتاز، ۱۳۷۷: ۲۹)

این گروه از کشورها- که اصطلاحاً به آنها گروههای همفکر (Like- Minded Group) می گویند، معتقدند که مفاهیم حقوق بشر بایستی متحول بشود، زیرا مفاهیم و ابزارهای حقوق

بشر نتیجه جنگ سرد بوده و تعارضات شرق و غرب در تولد آنها تاثیر داشته است. به عنوان مثال، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ابتدای جنگ سرد به وجود آمد. به همین جهت، مفاهیم به طور بیطرفانه در آن گنجانده نشدند. به عنوان نمونه، به حقوق کار و مالکیت در اعلامیه جهانی حقوق بشر توجه نشد، زیرا با شوروی مشکل داشتند. همچنین، مواد «۲۸» و «۲۹» اعلامیه جهانی حقوق بشر به خاطر دیدگاه خاص غربیها در میثاقها گنجانده نشدند، که این امر ناشی از تعارضات بین شرق و غرب در آن زمان بود. به همین جهت، این گروه می خواهد مواد ذیل اجرا شود:

نخست، تفسیر نوین و جدیدی از حقوق بشر ارائه شود.

دوم، مفاهیم حقوق بشر متحول و پویا گردند.

سوم، همکاری بین المللی در زمینه حقوق بشر تا سرحد اجماع، جای تقابل را بگیرد. این نوع موضعگیری ها بیانگر برخورد مثبت از طرف چنین کشورهایی نسبت به جهانشمولی حقوق بشر است، زیرا تا چندی پیش، این کشورها اصلا اعلامیه را رد می کردند و غربی می دانستند. اما همین کشورها هم اکنون اظهار می دارند که ما تفسیر جدیدی از اعلامیه داریم. به اعتقاد برخی از صاحب نظران (رجائی خراسانی، ۱۳۷۶: ۱۱)

«اعلامیه حقوق بشر، کنوانسیون های ژنو و میثاقهای بین المللی، با احکام اسلام اختلاف زیادی ندارند. فقط مرزهای ظریفی در تعاریف و جزئیات وجود دارد، که آن مرزها اختلاف ما و آنهاست»

همچنین بنا به تقاضای وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در ابتدای ماه نوامبر سال ۱۹۹۸م، از سوی کمیساریای عالی حقوق بشر، تمام کشورهایی که حقوق اسلامی را مد نظر دارند، در یک کنفرانس در ژنو به بحث درباره تفسیر جدید از حقوق بشر پرداختند (Tistunet, 1998: 1) قبلا نیز این دسته از کشورها در ششمین نشست ترتیبات منطقه ای حقوق بشر در آسیا و اقیانوسیه، تحت عنوان: «کارگاه حقوق بشر تهران، از ۲۸ فوریه تا ۲ مارس ۱۹۹۸م همزمان با پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، با تایید اعلامیه و برنامه عمل کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳م، جهانشمولی، تجزیه ناپذیری و ارتباط متقابل انواع حقوق بشر با یکدیگر را همراه با احترام نسبت به سرمایه های افتخار آمیز: فرهنگی، دینی و قومی این منطقه در باره حقوق بشر تایید کردند.

ساختارها و نهادهای حمایت از حقوق بشر

مفهوم حقوق بشر از مفاهیم کلیدی و دارای شاخه های متعددی است که موضوع واکاوی نظری اندیشمندان و صاحب نظران حقوقی قرار گرفته است. در عرصه عمل و به دنبال تضمین بخشی به این نظریات اقداماتی در راستای حمایت از حقوق بشر انجام پذیرفته است. نمود بارز این اقدامات در عرصه قانونگذاری و تأسیس و ایجاد ساختارهای حقوقی بوده است.

در بعد بین المللی حمایت از حقوق بشر دو جنبه مرتبط با دولت و مستقل از دولت، مد نظر قرار می گیرد، «ابتکار عمل این اقدامات نوعاً با دولت هاست که در این خصوص تصمیم می گیرند. به عبارت بهتر، مجادلات حقوق بشر بیشتر تابع کیفیت روابط بین الملل و بازی های متداول بین دولت ها و نظام های سیاسی حاکم می باشد. با وجود این، به خاطر توسعه روزافزون سیاسی و اصالت یابی تدریجی دموکراسی در دهه های اخیر، ابتکار عمل جریانات و نهادهای مستقل از حکومتها در زمینه حمایت ها و مطالبات حقوق بشر را نمی توان نادیده گرفت.» (هاشمی، ۱۳۸۲: ۴۱)

الف- عرصه مرتبط با دولت ها

ابتکار عمل بین المللی دولت ها، در پرداختن به حمایت و تضمین حقوق بشر به صورت های مختلف موضع گیری دولت ها و مشارکت و همکاری آنها تجربه شده است که اکثر این راهکارها در مفهوم عام جهانی متکی به متون و شیوههای غیر قضایی و زمینه ساز التزامات سیاسی و در مفهوم خاص اروپایی و آمریکایی متکی به ساز و کارهای قضایی است. (هاشمی، ۱۳۸۲: ۴۱) حمایت های حقوق بشری به دو دسته قضایی و غیرقضایی تقسیم می گردد.

۱. حمایت های غیرقضایی

حمایت های غیرقضایی حقوق بشر و شهروندی با شیوه ها و ساختارهای ذیل عملیاتی می گردد:

۱/۱. شورای حقوق بشر

تأسیس شورای حقوق بشر محصول اصلاحات پیشنهادی در ساختار سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ میلادی است. نقاط ضعف و قوت دستگاه حقوق بشری سازمان ملل متحد در حمایت از حقوق بشر و چالش ها و مشکلات ساختاری آن در خلال ۶۰ سال پس از تأسیس

سازمان ملل متحد موجب تأسیس شورای حقوق بشر به جای کمیسیون سابق حقوق بشر گردید (امیدزمانی، ۶۷: ۱۳۹۲)

کار مهم این شورا تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی در سراسر جهان است و در این راه خط مشی ها را تعیین می نماید و فعالیت های مرتبط با ترویج استانداردهای حقوق بشر را سازماندهی می کند. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد مطابق سند تأسیسی خود دو دسته وظایف نظارتی را در زمینه حمایت از حقوق بشر و ارتقای آن در سراسر جهان به عهده دارد: یک دسته بررسی های دوره ای جهانی در مورد تک تک کشورها و دسته دیگر فعالیت های فوری و پیشگیرانه در موارد اضطراری نقض حقوق بشر.

کمیته های مربوط به معاهدات خاص بین المللی

در مورد برخی از موضوعات حقوق بشر که از حساسیت بیشتری برخوردارند، معاهدات خاصی به تصویب ملل متحد رسیده و برای هر یک از آنها کمیته ای، کم و بیش همانند کمیته بشر، با وظایف و آیین کار مشابه پیش بینی شده است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

- کمیته رفع تبعیض علیه زنان (بخش پنجم کنوانسیون بین المللی حذف هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹/مواد ۲۲-۱۷ متشکل از ۲۳ کارشناس)
- کمیته منع شکنجه (بخش دوم کنوانسیون بین المللی منع شکنجه)
- کمیته حقوق کودک (مواد ۴۵-۴۳ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹)

گروه های کار

علاوه بر شورای حقوق بشر و کمیته های نظارتی مقرر در میثاق های بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و در هر یک از کنوانسیون های خاص، پاره ای از جریانات نگران کننده و ناقض حقوق بشر در موارد خاص (نظیر ناپدید شدن های قهری و بازداشت های خودسرانه) کمیسیون حقوق بشر را بر آن داشت تا با همراهی مجمع عمومی سازمان ملل، نسبت به تأسیس نهادهای نظارت موضوعی دیگری تحت عنوان «گروه های کار» تلاش نماید، گروه کار «ناپدید شدن های قهری یا ناخواسته» (قطعنامه IVXXX) ۲۰ مورخ ۲۹ فوریه کمیسیون حقوق بشر ۱۹۸۰) و گروه کار «بازداشت های خودسرانه» (تأسیس

کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۹۱ در راستای قطعنامه ۴۳/۱۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) از جمله این موارد می باشند.

حمایت قضایی

حمایت قضایی بین المللی از حقوق بشر مستلزم وجود یک سازمان قضایی است که، در صورت نقض قواعد آن، قادر به صدور حکم معتبر قضایی باشد. در این خصوص، تنها دو کنوانسیون منطقه ای اروپایی و آمریکایی حقوق بشر وجود دارد که برای آنها ضمانت اجرای قضایی مؤثر پیشینی شده است (هاشمی، ۱۳۸۲: ۶۴).

دادگاه اروپایی حقوق بشر

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب چهار نوامبر ۱۹۵۰ شورای اروپا و اصلاحیه ۱۱ مه ۱۹۹۴ آن، برای تضمین حقوق مقرر در این کنوانسیون مبادرت به تأسیس دادگاه اروپایی حقوق بشر (مواد ۱۹ تا ۵۱) نموده است. دادگاه اروپایی حقوق بشر، صلاحیت دارد تا علاوه بر دادخواست های ارائه شده در نقض حقوق مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۰، نسبت به نقض حقوق دیگری که به تدریج و از طریق پروتکل های ضمیمه به تصویب کشورهای عضو رسیده است رسیدگی نماید. دادگاه همچنین بر اساس پروتکل شماره دو کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی (۱۹۵۰) صلاحیت صدور آرای مشورتی را اخذ نمود.

صلاحیت دادگاه اروپایی حقوق بشر در می توان در سه حوزه دانست. حوزه اول این صلاحیت ها حقوق حمایت شده اولیه می باشد. توضیح آنکه حقوق حمایت شده توسط کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)، در بخش اول آن (مواد ۱۴-۲) درج گردیده است. این بخش از کنوانسیون پس از اصلاحات دست نخورده باقی مانده و شماره مواد آن نیز تغییر نیافته است. این حقوق عبارت است از:

حوزه دوم صلاحیت دادگاه توسعه حقوق حمایت شده می باشد. این بخش به عبارتی صلاحیت های جدید دادگاه اروپایی حقوق بشر می باشد. اقدامات سازمان ملل در تدوین و توسعه حقوق بشر پس از تشکیل دادگاه اروپایی حقوق بشر، خصوصاً تصویب میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ و وجود

دیگر زمینه های مساعد، سبب رشد مستمر حقوق حمایت شده توسط کشورهای اروپایی گردید. با تصویب و لازم الاجرا شدن پروتکل های شماره ۱، ۴، ۶، ۷، ۱۲ و ۱۳ منضم به کنوانسیون، دامنه حقوق و آزادی های حمایت شده توسط دادگاه، به طور چشمگیری گسترش پیدا نمود.

حوزه سوم صلاحیت دادگاه اروپایی حقوق بشر شامل صلاحیت مشورتی این دادگاه می شود. در صورت تقاضای کمیته وزیران، دادگاه می تواند آرای مشورتی در خصوص موضوعات حقوقی مربوط به تفسیر کنوانسیون و پروتکل های ضمیمه ارائه دهد؛ اما در خصوص اصل یا محدوده حقوق و آزادی های مندرج در بخش اول کنوانسیون و پروتکل های ضمیمه، امکان درخواست رای مشورتی وجود ندارد.

دادگاه آمریکایی حقوق بشر

دیوان آمریکایی حقوق بشر نهادی قضایی و مستقل است که بر اساس کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹ م.) با هدف تفسیر و اجرای مفاد مقررات مندرج در کنوانسیون مزبور و رسیدگی به موارد ادعای نقض حقوق و آزادی های به رسمیت شناخته شده در آن در سال ۱۹۷۹ تشکیل و در تاریخ ۲۹ و ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ م. در مقرر سازمان کشورهای آمریکایی در واشنگتن دی سی، اولین جلسه اش را برگزار نمود. جلسه افتتاحیه دیوان هم در مقرش سن خوزه کاستاریکا در سوم سپتامبر ۱۹۷۹ م تشکیل گردید.

اساسنامه دیوان در طول نهمین جلسه عادی مجمع عمومی سازمان کشورهای آمریکایی تصویب و مقررات آیین دادرسی آن نیز در اوت ۱۹۸۰ تصویب شد. با وجود آنکه دیوان برخلاف کمیسیون آمریکایی حقوق بشر، از لحاظ فنی نهادی وابسته به سازمان کشورهای آمریکایی نیست ولی باین حال نهاد قضایی نظام آمریکایی حمایت از حقوق بشر به شمار می آید. دیوان از ابتدای تشکیل به طور متوسط سالی سه بار تشکیل جلسه داده و در طول جلسات عمومی خود آراء قضایی و نظریات مشورتی صادر نموده و در جلسات علنی خود به استماع ادعاهای طرفین، شهادت شهود و کارشناسان پرداخته و گزارش های رئیس دیوان را مورد توجه قرار داده است. از آنجایی که مقر دیوان آمریکایی با کمیسیون آمریکایی متفاوت است، تعداد جلسات مشترک معدودی تشکیل شده است.

ب- عرصه مستقل از دولت ها

سازمان ها و نهادهای مردمی که نوعاً خارج از ابتکار عمل دولت ها و با ائتلاف و همبستگی افراد به وجود آمده اند، می توانند دست به تلاش ها و فعالیت های با اهمیتی بزنند. این نهادها، با آن که در سطح ملی شکل می گیرند، به سبب تعلق خاطر و آرمان خاص مسائل انسانی، در تلاش و فعالیت خود، به دستاوردهای بین المللی مؤثر نیز نایل می شوند. حمایت های بین المللی مستقل از دولت ها امروزه فراوان و متعدد است. برخی از این حمایت ها به صورت جریانات حقوق بشری فعال فردی یا گروهی ظاهر می شود و در جای خود، می تواند دارای آثار و تبعات نسبتاً مؤثر بین المللی باشد؛ اما نقش فعال سازمان های عدیده که خصوصاً در ربع قرن گذشته توسعه فراوان یافته، در جهت تضمین و توسعه حقوق بشر مهم و چشمگیر است. حمایت های مستقل از دولت ها به صورت تحرکات فعالانه و خودجوش که اقداماتی از قبیل موضع گیری های فعال مطبوعاتی، نامه ها و پیام های تلگرافی، مواضع حمایتی توسط جمعیت ها و گروه- های علمی و فرهنگی، اعطای جوایز معتبر به قربانیان تهدید، موضع گیری ها و اظهارهای اندیشمندان و نظایر آن، با توجه به تأییراتی که بر افکار عمومی در حقوق بشر و نقض آن میگذرانند را در بر می گیرد و به صورت سازمان های غیردولتی می باشد.

سازمان های غیر دولتی که در ماده ۷۱ منشور ملل متحد مورد توجه قرار گرفته است، متعدد و دارای اهداف متفاوت از جمله دفاع و حمایت از آزادی و حقوق بشر و اقدامات انسان دوستانه می باشند. برخی از این سازمان ها شناخته شده و برخی دیگر به طور محتاطانه اهداف خود را دنبال می کنند. برخی از آنها نیز با سازمان های بین المللی، همچون سازمان ملل و شورای اروپا همکاری نزدیک دارند و مورد مشورت قرار میگیرند خصوصاً اینکه این سازمان ها را در جریان اطلاعات مربوط به تجاوز دولت های مختلف به حقوق افراد قرار می دهند.

روش های حمایت از حقوق بشر

درباره ساز و کارهای عملی حمایت از حقوق بشر و شهروندی و تأثیر نهادها و سازمان های بین المللی در این موضوع نظرات گوناگونی ارائه شده است، به گونه ای که برخی "رویکرد محور" و برخی "کارکرد محور" به مقوله حمایت از حقوق بشر پرداخته اند. در نگاه رویکرد محور نیز دو

رویکرد "نیاز محور" و رویکرد "حق محور" ارائه شده است. (انوری، ۱۳۸۴: ۱۶۴)

در رویکرد نیاز محور اکثر سازمان‌ها در کشورهای در حال توسعه در فعالیت‌های خود نیازهای جامعه هدف را مورد توجه قرار می‌دهند و تلاش می‌کنند این نیازها را در اکثر مواقع با اعطای کمک‌های اقتصادی برآورده نمایند. در ایران نیز سازمان‌ها عموماً بر این مبنا شکل گرفته‌اند. این رویکرد همچون دیدگاه کشورهای جهان سوم نسبت به مفهوم توسعه است که مبنای توسعه را دسترسی به سرمایه مادی می‌داند و از این منظر دارا بودن منابع مادی شرط اصلی نیل به توسعه است (انوری، ۱۳۸۴: ۱۶۴).

نگاه کارکرد محور حمایت از حقوق بشر را در سه روش تقسیم‌بندی نموده است

(امیدزمانی، ۱۳۹۲: ۵۰)

الف- روش حمایت پیشگیرانه

در حمایت‌های پیشگیرانه وضعیت گروه‌های آسیب‌پذیر شامل مدافعین حقوق بشر، گروه‌های نژادی، زنان، کودکان و... مورد رصد قرار گرفته و دولت‌ها به اجرای برنامه‌های حمایت از حقوق بشری و شهروندی مدافعان حقوق بشری و اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و حمایتی از گروه‌های در معرض آسیب و ارائه آموزش‌های حقوق بشری و شهروندی به نیروهای مسلح تشویق می‌گردند.

ب- روش حمایت کاهنده

در حمایت‌های کاهنده نظارت مستمر بر وضعیت‌های حقوق بشری، بررسی گزارش‌های واصله در خصوص نقض حقوق بشر و ارائه اسناد در مورد آنها، هشدارهای منظم به مقامات داخلی و ارائه راهکارهای لازم برای بهبود وضعیت‌های حقوق بشری در دستور کار قرار دارد. سعی بر این است که به هنگام وقوع بحران‌های حقوق بشری از غیرنظامیان حمایت به عمل آمده و در خصوص نقض حقوق بشر و بحران‌های مربوط به آن دو تجزیه و تحلیل لازم به عمل آمده و هشدارهای لازم به کمیساریای عالی حقوق بشر در خصوص تعیین مأموریت‌ها داده شود و در صورت ضرورت توصیه‌هایی برای ورود رویه‌های ویژه ارائه گردد.

ج- روش حمایت جبرانی و عدالت محور

این روش ناظر به حقوق بشردوستانه می باشد. تحقیق، بررسی و محاکمه جنایتکاران و مبارزه با بی کفتری در دستور کار دستگاه حقوق بشری سازمان ملل قرار میگیرد. دفاتر منطقه ای سازمان ملل متحد وظیفه دارند در این خصوص تلاش هایی را به منظور فشار آوردن برای جبران خسارات وارده به قربانیان نقض های فاحش حقوق بشری و اجرای عدالت از طریق محاکمه جنایتکاران به مرحله اجرا درآورند. آنچه در مجموع نظریات مختلف در تعریف «نظارت» می توان یافت آنکه در همه تعاریف، نظارت را نوعی آگاهی و اطلاع از آنچه در حال وقوع است دانسته اند. به عبارتی نظارت مقایسه ضمنی بین آنچه هست و آنچه باید باشد و انجام اموری در راستای رسیدن به هدف مطلوب است.

این نظارت می تواند در موضوعات مختلف یا به شیوه های مختلفی اعم از پیشینی یا پسینی، استصوابی یا استطلاعی، مستقیم یا غیرمستقیم، نهان یا آشکار و بسیاری انواع دیگر اعمال گردد. نظارت نیز دارای انواع دسته بندی است. یکی از این انواع دسته تقسیم نظارت بر دو نوع بندی، کلی «نظارت حکومتی» و «نظارت مردمی» است. نظارت حکومتی را به نظارت سازمانی (سلسله مراتبی و نظارت قیمومتی)، نظارت کیفی (قضایی، اداری، مالی، سیاسی، و پارلمانی)، نظارت درونی و بیرونی، نظارت شکلی (مستمر و موردی)، نظارت پسینی، پیشینی و روندگرا، نظارت ماهوی (استصوابی و استطلاعی) و... تقسیم کرده و نظارت مردمی را هم به اقسامی همچون: افکار عمومی، آزادی احزاب و اجتماعات، آزادی مطبوعات و رسانه ها و... قسمت کرده اند (عمید زنجانی و همکار، ۱۳۸۹: ۶۰) با جرأت می توان گفت نظارت نقطه مشترک تمامی فعالیت های حمایتی حقوق بشری است. نظارت همچنین نقطه اشتراک تمامی ساختارهایی است که در زمینه حقوق بشر ایجاد شده و می شوند. نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد شامل شورای حقوق بشر، کمیسیون فرعی ارتقا و حمایت از حقوق بشر، کمیسیون حقوق زن و نهادهای ناظر بر میثاق های بین المللی شامل کمیته هایی چون کمیته رفع تبعیض نژادی، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته حقوق بشر، کمیته رفع تبعیض همه جانبه علیه زنان، کمیته منع شکنجه، کمیته حقوق کودک همگی با هدف نظارت بر کنوانسیون های مرتبط با عنوان خود فعالیت می نمایند (حقوق بشر و چشم اندازها، ۱۳۸۱: ۹۳-۷۹). همچنین نهادهای غیردولتی می توانند بر اساس ساختار و قوانین نهادهای حقوق بشری موجود

در سازمان ملل متحد به طرح دعای خویش اقدام نمایند. این نهادها عبارتند از:

شورای حقوق بشر

با توجه به آنکه شورای حقوق بشر در سال ۱۹۴۷ اعلام کرد برای اقدام در مورد شکایت های فردی از هیچ صلاحیتی برخوردار نیست، برای تغییر این وضعیت پیشرفت قابل توجهی به عمل آمد. در حال حاضر به موجب قطعنامه شماره ۱۵۰۳، کمیسیون فرعی پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت ها می تواند به شکایت های فردی و گروهی به عنوان مدرک الگوی سوء استفاده های حقوق بشری رسیدگی نماید (اسمیت، ۱۳۸۷: ۸۲)

کمیته حقوق بشر

در این کمیته که به موجب میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تأسیس شد (ماده ۲۸ میثاق) به موجب پروتکل الحاقی افراد می توانند با رعایت ضوابط تعیین شده به مانند کتبی بودن، عدم سوء استفاده از حق دادخواهی، به نام فرد و طی نمودن مراحل قضایی داخلی در دسترس، دادخواست فردی خویش را ارائه دهند (مواد ۱، ۲ و ۳ پروتکل اختیاری میثاق حقوق مدنی و سیاسی). اگرچه در متن این پروتکل اشاره ای به نام نهاد های غیردولتی نگردیده است؛ اما این نهادها نیز می توانند در زمره ای افراد جهت دادخواهی قرار گیرند.

کمیته مبارزه با شکنجه

شکایت های فردی در این کمیته علیه دولت هایی که آیین مذکور در ماده ۲۲ این کمیته را پذیرفته باشند، قابلیت طرح در این کمیته را دارد. این آیین همان پذیرش تشکیلات شکایت های فردی می باشد. شکایت ها می بایست توسط قربانی و یا در صورت غیرممکن بودن طرح دعوی توسط قربانی، بوسیله بستگان یا نمایندگان او طرح می شود.

مراحل این روش عبارتند از: ۱. شناسایی مشکل ۲. انتخاب مورد مناسب قضایی ۳. نمایندگی فرد قربانی در دادگاه ۴. اطلاع رسانی به افکار عمومی در خصوص مورد استراتژیک ۵. نظارت بر روند قضایی بوجود آمده می باشد، هرچند این نوع دادخواهی در نوع خود امری بسیار مشکل می باشد (بودنار، ۲۰۱۰: ۱۴).

حمایت‌های رسانه‌ای

از دیگر راهکارهای حمایتی نهادهای بین‌المللی در زمینه حمایت از اعضا خویش و یا کمک به تضييع شدگان حقوق اجتماعی، فرهنگی و... بهره‌گیری از ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای و تحریک و تهییج افکار عمومی جهت اعمال فشار بر دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی برای اعمال خواسته خویش است.

استانداردسازی

سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند با فعالیت‌های گوناگون ضمن شکل‌دهی به استانداردهای مربوط به حقوق بشر، در زمینه‌ی اصول بشری نیز استانداردهایی را تعریف نمایند. منظور از این استانداردها قواعد، اصول و خط‌مشی‌هایی است که ضمن حمایت از وضعیت فعلی، شرایط را برای ارتقای حقوق بشر و شهروندی تسهیل می‌نماید. سازمان‌ها به دو شکل مستقیم و غیر مستقیم نسبت به این مهم اقدام می‌نمایند. در شیوه مستقیم، ابتکار تهیه متن و ارائه متن اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و کنوانسیون‌های حقوق بشری و در شیوه غیر مستقیم ارائه مشورت به دولت‌ها و سازمان‌های میان‌دولتی در تدوین متون حقوقی از جمله اقدامات مورد استفاده می‌باشد. میزان تأثیر قاعده‌ساز نهادها در قلمرو حقوق بشر بستگی به صلاحیت، ترکیب و ساختار داخلی سازمان‌های بین‌الدولی و کنفرانس‌های بین‌المللی که این سازمان‌ها در آنها پذیرفته می‌شوند، دارد (بیگ‌زاده، ۱۳۷۹: ۹۷) مهم‌ترین مواردی که در این زمینه می‌توان مورد اشاره قرار داد، به شرح زیر است:

- مشارکت مؤسسه حقوق بین‌الملل در تدوین کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه و نیز فعالیت گسترده در زمینه تدوین حقوق مخاصمات مسلحانه، نظام حقوقی حاکم بر فضای ماورای جو، مبارزه با آلودگی دریایی و... که به تدوین پیش‌نویس کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌ها در این زمینه‌ها انجامیده است.
- تأثیر مستقیم فعالیت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهیه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و دو پروتکل الحاقی به آنها در سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۷۷ که امروزه به صورت قواعد عرفی و لازم‌الاجرا از سوی همه دولت‌ها درآمده‌اند.
- مشارکت حدود ۳۰ سازمان غیردولتی در تهیه پیش‌نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر که

- یکی از مهم ترین اسناد حقوق بین الملل به شمار می رود.
- نقش مهم و مؤثر سازمان های غیردولتی عفو بین الملل، کمیسیون بین المللی حقوقدانان و انجمن بین المللی قوانینی کفیری در تهیه پیش نویس کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴)
 - در بعد ملی نیز می توان به تلاش ۹ ماهه کمیسیون حقوق بشر اسلامی در زمینه کار نمودن بر روی لایحه جرم سیاسی در سال ۱۳۷۶ که البته همچنان این لایحه در مجمع تشخیص مصلحت نظام مسکوت مانده است.

نتیجه گیری

اثبات جهانشمولی حقوق بشر، زمانی میسر است که همه افراد، ملت ها و فرهنگ ها، برای آن احترام و ارزش قایل شوند. اگر گلايه ای از حقوق بشر به عمل آمده، مبنی بر اینکه در فراهم آوردن ارزش های غیر قابل انکار حقوق بشر، اندیشمندان غربی همچون: توماس جفرسون، لافایت و رنه کاسن نقش داشته اند، پاسخ این است که مسلماً هنجارهای حقوق بشر در ارزش های فرهنگی همه جوامع وجود داشته اند، و این اشخاص فقط در یک مقطع زمانی به تاکید و تمرکز روی این هنجارها پرداختند. در حقیقت، مشکل در به رسمیت شناختن این هنجارهای حقوق بشری نیست. زیرا آن گونه که موضع جدید کشورهای L.M.G نشان می دهد، مشکل در تفسیر آنهاست. همچنین پدیده ای به نام «انتقاد نسبی گرایان» از حقوق بشر که معتقد به غربی یا اروپایی بودن استانداردهای بین المللی حقوق بشر هستند، از سوی ۱۷۱ کشور شرکت کننده در کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳ م بصراحت مردود اعلام شد.

باید گفت که با توجه به موارد ریشه دار بودن ارزشهای اخلاقی و فرهنگی حقوق بشر در فرهنگها، سنتها و ادیان همه ملل، مشارکت کشورهای مختلف جهان در هنگام تصویب اعلامیه جهانی اقبال و حساسیت بیشتر آنان نسبت به حقوق بشر در عصر نوین بین المللی، افزایش تعداد دولتهای تایید کننده جهانشمولی مبانی حقوق بشر در نظام نوین بین المللی اثبات می شود که جهانشمولی مبانی حقوق بشر، از زمان پایان جنگ سرد تقویت شده است.

با توجه به اثبات جهانشمولی مبانی حقوق بشر در نظام نوین بین المللی، نتیجه گرفته می شود که این امر یک وجدان مشترک بشری را به وجود می آورد که هنگام نقض حقوق بشر، موضعگیری می کند و حمایت جدی از حقوق بشر از طرف همگان را به عمل می آورد. به

عبارت دیگر، جهانشمولی حقوق بشر، موجب اجماع و تشکیل یک وجدان جمعی در سطح بین‌المللی است، و حمایت جهانی از حقوق بشر را در پی دارد.

امروزه حقوق بشر به عنوان دایره گسترده‌ای از حقوق و تکالیف شناخته می‌شوند و اهمیت این حقوق از بعد ماهوی به معنای حقوق مسلم بشر و شهروندان و از بعد سیاسی اجتماعی در داخل و خارج حکومت‌ها روز به روز افزون می‌گردد. به دلیل مشکلات و موانع فراوان بر سر راه تحقق‌پذیری حقوق بشر لازم است، نیرویی متشکل از مدعیان و حامیان این حقوق از درون خود ملت‌ها، به دنبال تحقق‌آفرینی و ارتقای وضعیت فعلی آن‌ها باشند. حمایت و ارتقا حقوق بشر و شهروندی، دو مفهوم متداول در بحث حقوق بشر می‌باشند. حمایت به معنای حفظ، تثبیت و تضمین دستاوردهای موجود در این دو عرصه و حمایت به معنای حرکت از وضع موجود و رشد آن در سطح بالاتر است. نهادهای بین‌المللی در زمینه حمایت از حقوق بشر با روش‌هایی چون حمایت پیشگیرانه، حمایت‌کاهنده و حمایت جبرانی و عدالت محور و با استفاده از سازوکارهای عملی چون نظارت، ارائه گزارش، مشورت، اقدامات حقوقی و وکالتی، حمایت‌های رسانه‌ای، ارائه خدمات، کمک و پشتیبانی، استانداردسازی در میدان حمایت از حقوق بشر و شهروندی به ایفای نقش می‌پردازند. ارتقای حقوق بشر نیز در طول سال‌های متمادی در حال پیشرفت بوده است. بسیاری از فعالیت‌های یادشده در بخش حمایت از حقوق بشر بسترساز ارتقای حقوق بشر گردیده‌اند؛ اما با اندک اغمازی می‌توانیم سه روش تحقیق و پژوهش، آموزش و فرهنگ‌سازی به عنوان راهکارهای عملی ارتقای حقوق بشر و شهروندی توسط نهادهای بین‌المللی در نظر بگیریم. آنچه در سازوکارهای حمایتی و ارتقایی ارائه شده باید در نظر گرفت این است که نهادهای بین‌المللی می‌بایست در سایه حمایتها و بسترسازی‌های دولت‌ضمن‌بازشناسی و فعال نمودن این موارد در راستای حمایت و ارتقای حقوق بشر، ظرفیت‌های قانونی ملی و بین‌المللی، ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه نهادهای فعال در این حوزه را شناسایی و برای بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها برنامه‌های کوتاه، میان و بلندمدتی را طراحی و اجرا نمایند. نقش حمایتی دولتها نباید دچار آسیب‌های تعامل با نهادهای دولتی و اعمال نفوذ بر آنان گردد. تأثیرگذاری نهادهای بین‌المللی در زمینه توسعه‌ی حمایت و ارتقای حقوق بشر خالی از ضعف نبوده است. از جمله این آسیب‌ها، وجود موانع ساختاری و شکلی بوده است. مواردی چون موانع فرهنگی، سیاسی، قانونی و اقتصادی در بخش موانع

ساختاری و مواردی چون، وجود ابهام قانونی، ضعف مدیریت و عضوپذیری، فقدان اعتبار و تخصص، محدودیت های مالیدر موانع شکلی جای گرفته اند. البته برای گذر از این آسیب ها پیشنهادهایی به مانند، تقویت ارتباط و وابستگی با جامعه، افزایش ضریب نفوذ سازمان های بین المللی برای تغییر نقش دولت از نهاد کنترل به تسهیل کننده، توسعهی ظرفیت و همکاری های بین المللی، تداوم در مطالعه وضعیت و رفع نارسایی های حقوقی و قانونی پیشنهاد می گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. امیدزمانی، محسن (۱۳۹۲). نقش حمایتی و ارتقایی شورای حقوق بشر با تأکید بر نقش نشست های ویژه و بررسی دوره ای وضعیت حقوق بشر کشورها، استاد راهنما: رضا موسی زاده، دانشگاه پیام نور.
۲. انوری، ابراهیم (۱۳۸۴). سازمان های غیردولتی و حقوق بشر در ایران، استاد راهنما: نسرین مصفا، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۳. بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۷۲). «سازمان های غیردولتی و حقوق بین الملل»، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱ و ۳۲، پاییز و زمستان.
۴. رجائی خراسانی، سعید (۱۳۷۶). «سلسله گفتگوی جامعه در رابطه با حقوق بشر»، جامعه، سال یکم، شماره ۲۶، ۷ بهمن.
۵. عنان، کوفی (۱۳۷۶). سخنرانی دبیرکل سازمان ملل به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر در دانشگاه تهران، تهران: نمایندگی سازمان ملل متحد در تهران.
۶. کتابی، امیرعلی و ایزدی اودلو، عظیم (۱۴۰۰). «حقوق جهانی بشر در اسلام و مقایسه تطبیقی آن با حقوق بشر غرب از دیدگاه علامه جعفری»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۴، زمستان.
۷. گنج خانلو، محمد (۱۴۰۰). «تعامل نظام جمهوری اسلامی ایران با نظام حقوق بشر جهانی در زمینه حقوق کودک در چارچوب فقه اسلامی»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳، آذر.
۸. المتوکل، احمد (۱۹۹۷). «الاسلام و حقوق الانسان»، المستقبل العربی، شماره ۲۱۶-۱۹۹۷، م ۲، ۸-۴۰.
۹. محبی، علی و جعفری، فریدون (۱۳۹۹). «حقوق اسرای جنگی در پرتو حقوق بشر دوستانه»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۹، شماره ۲، زمستان.
۱۰. مرندی، الهه و قربانی، اعظم (۱۴۰۰). «مبانی و سازوکارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار.
۱۱. مقتدر، هوشنگ (بی تا). تحولات سازمان ملل متحد، تهران: انتشارات فرمند.

۱۲. ممتاز، جمشید (۱۳۷۷). حقوق بشر در پرتو تحولات بین المللی، تهران: نشر دادگستر.
۱۳. مهرپور، حسین (۱۳۷۴). حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه اطلاعات.
۱۴. مهرپور، حسین (۱۳۷۷). نظام بین المللی حقوق بشر، تهران: اطلاعات.
۱۵. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۲). «حمایت ها و تضمینات حقوق بشر در حقوق داخلی و نظام بین المللی»، دو فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳، پاییز و زمستان.
16. Annan, kofi (1997), strengthening united nations action in the field of humanr ights: prospects and priorities Harvardhuman rights journal, vol, 10, spring, 15
17. Boyle, kevin (1998), Influence of the universal declaration at the nationallevel, strasbourg: I.I.H.R
18. Donnelly, Jack (1992), Human rights in the new world order, world policy spring, 249-277
19. Meron, Theodor (1989), Iranls challenge to the international law of human Human rights internet, vol. 13, 8-10
20. Morphet, Salle (1993), The non aligned in the new world order: The Jakart International Relations, Vol 11, 1993. 359-380
21. Samson, Klaus (1991), le noyau intangible des droits dellhomme, Fribourg: E universitaire
22. Tistunet, Eric (1998), Situation des droits de llhomme dans le nouvel ordr Entretien), Geneve: Nations-unies
23. vilian Duran, carlos (1998), The univeral declaration of human rights, Stra